

اینفوگرافیک

نگاهی به میان رده جدید اوپو

شرکت اوپو میان رده جدیدی را با نام A6s Pro برای بازار چین ارائه کرد. این گوشی با تراشه دایمنسیتی ۶۲۶۰ مکز، باتری ۷ هزار میلی آمپر ساعتی و قیمت پایه ۲۷۰ یورو عرضه می‌شود.

صفحه نمایش
۶٫۵۷ اینچ
دوربین اصلی
۵۰ مگاپیکسل
رم
۸ و ۱۲ گیگابایت
رزولوشن
۲۳۷۲ × ۱۰۸۰ پیکسل

عکس نوشت



رومانیایی از جوک جدید

نسخه جدید و الکترونیکی «نیسان جوک» (Juck) در رویداد «نیسان وین» رومانیایی شده؛ جایی که این خودرو ساز ژاپنی در تلاش است تا در برابر کاهش فروش، زیان‌های مالی و تعطیلی کارخانه‌ها، برنامه بازگشت خود را معرفی کند. ایوان اسپینوزا، مدیرعامل نیسان در این مراسم گفت: «جوک جدید کاملاً چابک، جمع و جور و به‌وضوح یک نیسان است. نسخه الکترونیکی این خودرو شخصیت و احساس را با خود دارد؛ جسور، متمایز و اکنون کاملاً برقی.»

پژوهشگاه هوا فضا محل پژوهش‌های غیرنظامی بود
حسین سیمایی صراف، وزیر علوم، پژوهشگاه هوا فضا محلی بود که پژوهشگران در حوزه‌های غیرنظامی، زیست‌شناسی، کشاورزی و نقشه‌برداری پژوهش می‌کردند که متأسفانه مورد حمله قرار گرفت. دشمن تلاش کرد همه مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی را هدف قرار دهد، اما ریشه‌های این کشور از بین بردنی نیست.



پایداری ارتباطات با وجود شرایط جنگی
ستار هاشمی، وزیر ارتباطات: ارائه خدمت در جنگ ۴۰ روزه با هم‌افزایی همه ارکان دولت و حاکمیت محقق شد. خانواده بزرگ ارتباطات تلاش کردند هیچ‌گونه اختلالی در زندگی مردم ایجاد نشود و انواع خدمات در حوزه‌های مختلف از خدمات بانکی تا پست و خدمات الکترونیکی، به‌صورت پایدار ارائه شود.



چرا اینترنت بین‌الملل قطع شد؟

همه دلایل جلوگیری از دسترسی مردم به اینترنت بین‌الملل در زمان جنگ

گزارش گروه دانستنیا | در دنیای امروز، جنگ‌ها دیگر فقط در میدان‌های فیزیکی رخ نمی‌دهند؛ بخش بزرگی از نبردها در فضای دیجیتال و شبکه‌های ارتباطی جریان دارد. اینترنت که در زمان صلح ابزار اتصال و توسعه است، در زمان جنگ می‌تواند به مسیر نفوذ، حمله و جنگ روانی تبدیل شود. به همین دلیل، دولت‌ها در

کاهش خطر حملات سایبری
در زمان جنگ، زیرساخت‌های حیاتی (برق، بانک، ارتباطات و...) هدف حملات سایبری قرار می‌گیرند. قطع یا محدودسازی اینترنت بین‌الملل:
• سطح دسترسی مهاجمان خارجی را کاهش می‌دهد.
• احتمال حملات DDoS و نفوذ را کم می‌کند.

کنترل اطلاعات و جنگ روانی
در جنگ، اطلاعات خودش یک سلاح است. با محدودسازی اینترنت:
• از انتشار شایعات و اخبار جعلی جلوگیری می‌شود.
• جنگ روانی دشمن کنترل می‌شود و مدیریت روایت داخلی آسان‌تر می‌شود.

حفاظت از داده‌های نظامی و امنیتی
ارتباطات نظامی و داده‌های حساس ممکن است از طریق اینترنت لو بروند. محدودسازی کمک می‌کند:
• مسیرهای نفوذ اطلاعات بسته شود
• شنود و ردیابی کاهش یابد

حفظ پایداری شبکه داخلی
در شرایط بحرانی، فشار روی شبکه زیاد می‌شود. با بستن اینترنت بین‌الملل:
• پهنای باند برای خدمات داخلی حفظ می‌شود.
• سرویس‌های حیاتی (بانک، اورژانس، دولت) پایدارتر می‌مانند.

جلوگیری از هماهنگی نیروهای دشمن یا خرابکاران
خرابکاران یا جاسوس‌ها از اینترنت برای هماهنگی استفاده می‌کنند. محدودسازی:
• ارتباطات آنها را مختل می‌کند.
• ردیابی و کنترل را ساده‌تر می‌کند.

نمونه‌ای از حملات سایبری دشمن
در سال‌های اخیر، ایران به یکی از کانون‌های اصلی جنگ سایبری در سطح جهان تبدیل شده است؛ حملاتی که دیگر صرفاً به سرعت داده محدود نمی‌شوند، بلکه زیرساخت‌های حیاتی، سامانه‌های مالی، خدمات عمومی و حتی زندگی روزمره را هدف قرار می‌دهند. این حملات نشان می‌دهد که در عصر جدید، می‌توان بدون شلیک گلوله، دچار اختلالات گسترده شد. مرور نمونه‌های واقعی این حملات، تصویر واضح‌تری از شدت و ماهیت تهدیدات سایبری ارائه می‌دهد.

بانک‌های ایران
زمان: جنگ‌های ۱۲ روزه
هدف: چند بانک دولتی و خصوصی ایرانی
نتیجه: این حملات باعث ایجاد اختلال‌هایی شد و روند کاری بانک‌ها در خدمات‌رسانی را با مشکلاتی روبه‌رو کرد.

صرافی ارز دیجیتال
زمان: جنگ ۱۲ روزه
هدف: یک صرافی ارز دیجیتال مشهور
نتیجه: این اتفاق باعث سرعت ۹۰ میلیون دلار از دارایی‌های این صرافی شد که حتی مقداری از آن نیز به‌طور کلی از بین رفت.

سخت و خدمات عمومی
زمان: از سال ۱۴۰۰ تاکنون
اهداف: سامانه‌های سوخت و خدمات عمومی
نتیجه: مختل شدن سوخت‌رسانی به خودروها و اختلال در سامانه‌ها و پلتفرم‌های مختلف ارائه خدمات عمومی

مفصله: اسد غفوری

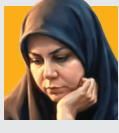
روایت تهران

پناهگاه زیرزمینی در تهران؛ سال ۱۳۶۶

در روزهای جنگ تحمیلی و موشکیان تهران در سال‌های پایانی جنگ عراق علیه ایران، در برخی مدارس و اماکن عمومی پناهگاه‌هایی تعبیه شده بودند. در این تصویر، حضور مردم را در پناهگاه زیرزمینی دبیرستان شرف در محله امیریه مشاهده می‌کنید. این تصویر در اسفند سال ۱۳۶۶ ثبت شده است؛ روایتی از زندگی زیر موشکیان تهران در سال‌های جنگ تحمیلی اول.
«شنوندگان گرامی، توجه فرمایید! صدایی که هم‌اکنون می‌شنوید، هشدار و وضعیت قرمز است و به معنی آغاز حمله هوایی است.» در دوران جنگ تحمیلی با رژیم بعثی، در چنین لحظاتی، از همان ثانیه‌های نخست بمباران، چشمان کسانی که به پناهگاه نرفته بودند به آسمان دوخته می‌شد تا نشانه‌ای از مسیر موشک را ببینند. دود و ردهای تاریک در آسمان، مسیر حرکت آن را آشکار می‌کرد و لحظه‌ای که موشک به زمین می‌خورد، اضطراب حاکم بر محله بیشتر می‌شد. هیچ‌کس نمی‌دانست کدام خانه، مدرسه یا بیمارستان هدف بعدی خواهد بود و زمان اندک برای رسیدن به پناهگاه، وحشت را دوچندان می‌کرد.
صدام، از دهم اسفندماه ۱۳۶۶ تا یازدهم اردیبهشت ۱۳۶۷، تهران و دیگر شهرهای مرکزی ایران را هدف موشک‌های خود قرار داد. هدف این حملات، تحت فشار گذاشتن ایران و تحمیل شروط نامربوط و غیرمنطقی برای پایان جنگ بود. رژیم بعثی با سیاست غیر انسانی، مناطق مسکونی را به‌طور مکرر هدف قرار می‌داد. مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و حتی اماکن مذهبی هیچ‌گاه از حملات در امان نبودند. این دوره، یادآور حملات کور و خشونت‌بار علیه غیرنظامیان است؛ روزهایی که سبایه‌پوش شدن محله‌ها و تلاش برای حفظ کشور، تجربه‌ای مشترک میان ایرانیان شد.



شهید شاعر و نویسنده
فاطمه‌سادات میر، شاعر و نویسنده، ۱۷ فروردین ۱۴۰۵ در حملات هوایی جنگ تحمیلی سوم دشمن در تهران به شهادت رسید. کتاب «ریل‌های رنگ زده» سروده این شاعر است که در جشنواره شعر فجر سال ۱۴۰۳ نامزد شد. این کتاب با بیانی صمیمی، غنای ادبی و زیبایی، مخاطب را به سفری احساسی در دنیای شاعرانه خود دعوت می‌کند.



محمد؛ نخستین شهید پدافند ارتش
محمد نظری فرد، نخستین شهید پدافند ارتش جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی سوم است؛ جوانی دهه هفتادی که در روز دوم جنگ انجام مأموریت شهید شد. پدر شهید تعریف می‌کند: «محمد وقتی خبر شهادت حضرت آقا رشید، به من گفت کاش ماهم شهید شویم. ۲۴ ساعت نگذشته، به آرزویش رسید.



پشتیبانی از رزمنده‌ها در محله‌ها

روایت لیلا نورمرادی از فعالیت گروه جهادی حضرت معصومه^س در جنگ تحمیلی سوم



قرآن بخوان، جایزه بگیر
مکت مجلس و محفل قرآن همیشه باعث انس و آرامش روح است اما اگر این محفل در بحبوحه جنگ باشد قطعاً شنیدنی‌تر است. جهادگر فعال محله مسعودیه می‌گوید: «یکی از بانوان در مکت فرهنگی مسابقه قرآنی برگزار می‌کند با عنوان «قرآن بخوان جایزه بگیر» بچه‌ها و حتی گاهی بزرگ‌ترها می‌آیند و برای پیروزی ایران سوره فتح را قرائت می‌کنند. به بچه‌ها جایزه هم می‌دهیم و استقبال بسیاری از این برنامه ما شده است.»

گزارش سیده کلتوم موسوی - ترنم صادقی | خبرنگار | این روزها مثل سال‌های دفاع مقدس همه کشور برمی‌آید انجام می‌دهد. مثل بانوان گروه جهادی حضرت معصومه (س) که با همه توان تلاش می‌کنند تا سهم کوچکی در پیروزی جمهوری اسلامی در برابر دشمنان این مرز و بوم داشته باشند. به همین دلیل سراغ لیلا نورمرادی رفتیم تا از فعالیت‌های این گروه جهادی برایمان بگوید.

دوخت پرچم با وضو
لیلا نورمرادی بانوی ۵۵ ساله محله مسعودیه از سال ۱۳۹۵ فعالیت‌های جهادی را آغاز و تاکنون بانوان بسیاری را همراه گروه جهادی حضرت معصومه (س) کرده است. او در مورد این گروه می‌گوید: «از همان روزهای اول جنگ برای روحیه دادن به خانواده‌هایی که شبانه‌روز در خیابان‌ها و در تجمعات حضور دارند، برنامه‌های

پشتیبان برادران رزمنده
مسئول گروه جهادی حضرت معصومه (س) درباره دیگر فعالیت‌های این گروه می‌گوید: «پخت و پخش غذا، جمع‌آوری دارو، تهیه پرچم‌های مشکی از چادرهای بلااستفاده، اجرای گروه سرود، پخت آش برای کاروان‌های موتوری و ماشینی، هدیه دادن به کودکان در غرفه کودک، برپایی ایستگاه قرآن بخوان

خدمت‌رسانی به خانواده‌های آسیب‌دیده
وقتی کسی کفن بوش می‌شود می‌خواهد بگوید که آماده است جانش را برای بازگشتن به دایره خود، یعنی وطن، فدا کند همچنان که جوانان در جنگ تحمیلی اول جانشان را فدای وطن کردند؛ اما این بار جنگ تحمیلی سوم است و نوجوانان دهه‌های ۸۰ و ۹۰ به میدان آمده‌اند. مرادی می‌گوید: «روپوش‌های سفیدی به‌عنوان کفن توسط بانوان گروه دوخته می‌شود و افراد از همه گروه‌های سنی مستأفانه به تن می‌کنند تا شب‌ها در خیابان یا کفن‌های شاعرنویسی شده، فریاد آقا سر دهند.

یاد منصوره حاجعلی؛ نویسنده

معراجیان

به محض ورود به سالن معراج، چشمم به خانمی آرام و تنها در گوشه سالن افتاد.
با خودم دل‌دل کردم که به کنارتش بروم یا نه؛ نیرویی ورآی توان انسانی مرا به‌سوی او می‌کشید. به‌خود که آمدم، کنار او نشسته بودم. دست‌هایش میان دستام بود؛ سرد اما آرام، نجیب، صبور و غمگین.
گویی تکه یخی بودی که در گرمای دستام آرام آرام آب می‌شد؛ و همین گرما در برابر وقار آن زن خجالت‌زده‌ام می‌کرد. این زن، فراتر از زن بودنش، صبور بود.
به زبان آمدم:
با شهید نسبتی دارید؟
صدایی ضعیف و آرام شنیدم.
دوست داشتم اشتباه شنیده باشم، اما درست بود. او همسر مادر دو شهید بود. شهیدهایی که تا دینب صدایشان در خانه منعکس می‌شد و امروز صبح، نه صدایی مانده بود و نه خانه‌ای.
نگاهم به پاهای زخمی‌اش افتاد. پاهایی که پیدا بود زیر آوار، خسته و مجروح شده اما هنوز استوار بر زمین ایستاده. اصرار کردم به در مانگام بروم، اما می‌گفت نمی‌خواهد برای کسی زحمت ایجاد کند.
پزشک خواست سسر صحبت را باز کند. موقع واریس زخم‌هایش گفت: «در ساختمان‌تان کسی نظامی بود؟»
همین یک جمله کافی بود تا کوه صبرش یکباره فرو بریزد. نگاهی بران کرد. دیگر فقط یک همسر شهید نبود؛ یک شیرزن ایرانی شد.
هنوز صدایش در گوشم می‌پیچد: «نظامی و بازاری چه فرقی دارد؟ اینها هموطن‌های ما هستند! ایرانی‌اند؛ ایرانی.»
بخشی از روایت حضور همسر شهید سعید شفقردی در معراج

